انجنیر سید مختار دریا

۱۰ جون ۲۰۱۸

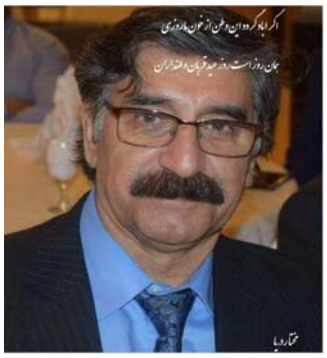

امید به فـردا

کنون که تیرهٔ نامـردمان به کوی شماست — فضا پر ازغم وغوغا وهای هـوی شماست
زجبـر تلـخ زمـان و سیـاهـی دوران — مـدام سیلـی همسایـگان بـروی شماست
بـه صـد هـزار حِیلـه رذل زادگان زمـان — پـی فنـا شـدن فـکـر و آرزوی شماست
خـروش میرسـد از دامـن افـق بـه سحر — که رنگ سرخ شفق از رگ گلـوی شماست
مکن گلایـه ز دشمـن که چون تبر روزی — شکست قامتت از شـاخـهٔ عـدوی شماست
زتیر حادثـه ها زخمگین و خونیـن تن — دلاوران تـو دیـوار آبـروی شماست
خـروش و نعـره کشید همچـو پردلان زمان — اگـر چـه خنجـر نامـرد بـرگلـوی شماست
بـه قلـب دشمـن بـد ذات تیـر خشم فگـن — که چاکران درش زنده پیش روی شماست
ز دود و آتش وخون انفجار و مرگ جوان — تبسمـی به لـب خصـم زور گوی شماست
ز خون چکانی هر واژه صفحه خونریز است — قلـم عیانـگر آلام و گفت وگوی شماست
درخت ظلم و جنایت ز بیخ و بن برکن — که میوه اش ضرر افزای شهر وکوی شماست
خـروش سینـهٔ دریـا نـوای مـردم اوست — که چشم باز وامیدش همیشه سوی شماست

"مختار دریا کانادا" ۱۲ جولای ۲۰۱۷